

یک اشتباه استراتژیک دکتر مصدق

نقدی بر یادداشت احمد زیدآبادی درباره ۲۸ مرداد



کوروش احمدی

دیپلمات پیشین ایران
در سازمان ملل

تحول نویدبخش این است که طی چند سال اخیر گفت‌وگو در درون جامعه ما سرعت و گستردگی کم‌سابقه‌ای یافته و یکی از موضوعات گفت‌وگو تحولات و وقایع اثرگذار در تاریخ معاصر ایران است. موجب دلگرمی و مسرت است که کودتای ۲۸ مرداد نیز به عنوان تحولی که زمینه‌ساز انقلاب ۵۷ شد، طی سال‌های اخیر بسیار مورد توجه و موضوع بحث قرار گرفته است. یادداشت ارزنده و فکربرانگیز جناب زیدآبادی در هم‌میهن (۲۸ مرداد ۴۰۴) یکی از نمونه‌های برجسته این گفت‌وگو در مورد این موضوع است.

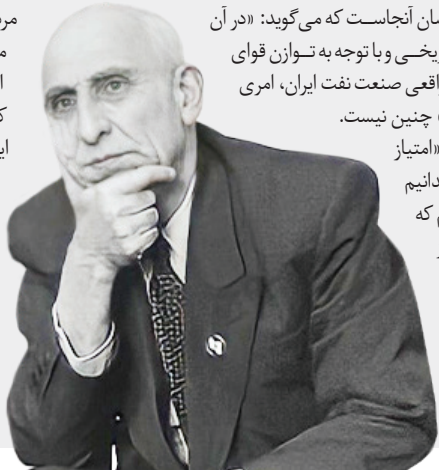
من ضمن اینکه با بخش‌هایی از این یادداشت موافقم، اما اجازه می‌خواهم با آنچه «دو اشتباه استراتژیک دکتر مصدق» نامیده شده، موافق نباشم. مقدماتاً و به‌طور کلی باید عرض کنم که ملی شدن نفت یک امر تاریخی است و ما چاره‌ای نداریم جز اینکه امور تاریخی را صرفاً بر مبنای اسناد و شواهد تاریخی بکاویم و مورد قضاوت قرار دهیم. کلی‌گویی و تمرکز بر مطالب افواهی طبعاً مانع باورپذیری تحلیل‌های تاریخی می‌شود. جناب زیدآبادی «یک امر محال» یعنی ملی کردن صنعت نفت را و «قدسی‌سازی امر محال و ناموسی و حیثیتی کردن آن» را دو «خطای استراتژیک» مصدق دانسته‌اند. به باور من این تصور ایشان به ۶ دلیل زیر اشتباه است:

۱. روش‌شناسی ایشان اشتباه است. ایشان بر پایه دانش و ارزش‌های مورد قبول امروز درباره تصمیمی که ۷۴ سال قبل با اجماع گرفته شد، قضاوت کرده و بدون توجه به شرایط آن روز آن را خطای استراتژیک نامیده‌اند.

۲. اشتباه دوم ایشان این است که مصدق را فعال مایشاء در روند ملی شدن نفت فرض کرده‌اند. حال آنکه اینطور نیست و مصدق در مراحل نهایی و با آکره در رأس این بُعد جنبش که یکی از دو بُعد جنبش بود، قرار گرفت. دولت ایران از ابتدا و قبل از کودتای اسفند ۹۹ با شرکت و اجحافات فاحش آن مشکل داشت. این مشکلات، از جمله بعد بی‌نتیجه ماندن تلاش سه ساله تیمورتاش، منجر به خصیانیت رضاشاه و اقدام غلط او، یعنی در بخاری انداختن پرونده نفت و دستور به لغو امتیاز داری در آذر ۱۳۱۱ شد. به قول تقی‌زاده در بهمن ۲۷، «رضاشاه بدبختانه اشتباهی کرد و نتوانست برگردد». نهایتاً رضاشاه به دلیل واکنش انگلیس که شامل آوردن نیرو به سواحل آبادان، تحریکاتی در برخی عشایر و مراجعه به جامعه ملل بود، عقب نشست و تن به قرارداد ۱۳۱۲ داد که بسیار خسارت‌بارتر از امتیاز داری بود. بعد از رضاشاه، اعتراض به شرکت نفت انگلیسی از ۱۳۲۳ از سرگرفته شد. مصدق در این مجلس برای نخستین بار توضیحاتی در مورد خسارات قرارداد ۱۳۱۲ داد و غلامحسین رحیمیان پیشنهادی دایر بر لغو قرارداد به مجلس ارائه کرد که مصدق به چند دلیل با آن موافقت نکرد. مجلس پانزدهم که مصدق عضو آن نبود، در ۲۹ مهر ۲۶ با اجماع دولت قوام را مکلف به «استیفای حقوق ملت ایران در نفت جنوب» کرد. رحیمیان و عباس اسکندری ملی کردن نفت را در خرداد و مرداد ۲۷ در مجلس مطرح کردند. دولت هژیر در شهریور ۲۷ یک طرح ۲۵ ماده‌ای که حاوی نقض‌ها و اجحافات فاحش شرکت انگلیسی بود، منتشر کرد. الحاقیه‌گس-گلشایان که به‌رغم ۵ برابر شدن قیمت نفت سهم ایران را از ۴

شلینگ در تن به ۶ شلینگ افزایش می‌داد، در مجلس پانزدهم تصویب نشد و در کمیسیون نفت که تنها ۵ تن از اعضای ۱۸ نفره آن عضو جبهه ملی بودند، رد شد. انگلیس به‌رغم اینکه قاعده تصفی ۵۰-۵۰ و ونزولا و عربستان عملی شده بود، قویاً با اجرای همین قاعده در مورد نفت ایران مخالفت کرد. در نتیجه، هیچ راهی جز ملی کردن نفت که هم‌زمان در رأس مطالبات همه گروه‌های سیاسی و عموم مردم از همه طیف‌ها قرار گرفته بود، باقی نماند. مجلس با اجماع هر ۹۵ نماینده حاضر مصوبه کمیسیون نفت را تصویب کرد و سنا و شاه به فوریت آن را تصویب و توشیح کردند. جالب‌تر اینکه جمال امامی که دشمن مصدق و حامی دربار بود، متن قانون خلع ید را در ۷ ماده نوشت و جالب‌تر اینکه مصدق دو ماده درباره پرداخت غرامت به آن افزود. مصدق در مهر ۱۳۳۰ در مجلس گفت اگر انگلیس در مجلس پانزدهم ۵۰-۵۰ را می‌پذیرفت، مشکل حل بود. این مرور اجمالی نشان می‌دهد که فروکاستن تصمیم ملی کردن نفت به «بزرگترین خطای استراتژیک» که «متأسفانه دکتر مصدق مرتکب آن شد» تا چه حد اشتباه است.

۳. اشتباه سوم ایشان آنجاست که می‌گوید: «در آن برهه خاص تاریخی و با توجه به توازن قوای بین‌المللی، ملی کردن واقعی صنعت نفت ایران، امری آشکارا غیرممکن بود». چنین نیست. قرارداد نفت را اگر یک «امتیاز انحصاری استعماری» بدانیم که بود، باید توجه کنیم که روند استعمارزدایی از ۱۷۸۹ که با جنگ استقلال آمریکا آغاز و در قرن ۱۹ در آمریکای لاتین به



اوج رسیده بود، در زمان ملی شدن نفت ایران در آسیا و آفریقا در اوج خود قرار داشت. شبه‌قاره هند دو سال قبل به استقلال رسیده بود و انگلیس در همه مستعمرات در حال عقب‌نشینی و درگیر رقابت با آمریکا بود. «امتیازات انحصاری استعماری» در همه جهان مستعمره و نیمه‌مستعمره در حال لغو بود. مکزیک ۱۲ سال قبل از ایران نفت خود را با موفقیت ملی کرده بود و قبل‌تر از مکزیک، بولیوی و آرژانتین چنین کرده بودند و ونزولا و عربستان بدون اینکه جامعه جنبشی و مطالبه‌گری داشته باشند، به قرارداد ۵۰-۵۰ با شرکت‌های آمریکایی رسیده بودند. عراق در ۱۹۶۱، برمه و مصر در ۱۹۶۲، اندونزی در ۱۹۶۳، پرو در ۱۹۶۸، الجزایر و لیبی در ۱۹۷۱، حتی عربستان در ۱۹۷۱ و... نفت خود را ملی کردند. در همین رابطه، مجمع عمومی سازمان ملل از ۱۹۵۲ تا ۱۹۶۲ شش قطعنامه در تأکید بر «حق ملت‌ها برای ملی کردن ثروت‌های طبیعی خود» صادر کرد. جناب زیدآبادی توضیح نمی‌دهند که منظورشان از اینکه ملی کردن نفت ایران «امری آشکارا غیرممکن بود»، چیست و کی ممکن بود این کار ممکن شود. در مورد «آن برهه خاص تاریخی و توازن قوای بین‌المللی» نیز گفتنی است که دولت کارگری انگلیس ملی شدن نفت ایران را علی‌الاصول پذیرفت و آمریکا در دولت ترومن و در رقابت با انگلیس، ایرانیان را آشکارا تشویق به ملی کردن نفت خود می‌کرد. منوچهر فرمانفرمایان و ابراهیم صفایی جزئیاتی از نقش آمریکا و حتی پیشنهاد ملی کردن نفت به رزم‌آرا داده‌اند. با توجه به اینکه خرم قرارداد ۱۳۱۲ آذر ۱۳۲۲ (۱۴ سال بعد از انقلاب) بود، آیا جناب زیدآبادی تصمیم گرفته‌اند که ملی کردن نفت چه زمانی می‌توانست ممکن باشد؟

۴. اشتباه چهارم جناب زیدآبادی این است که توجه نفرموده‌اند که ملی کردن نفت ایران در زمانی انجام شد که ملی کردن‌های گسترده صنایع، بانک‌ها، حمل و نقل، مخابرات و... در کشورهای اروپایی در جریان بود. در همین جو بود که یونین وزیر خارجه دولت کارگری انگلیس گفته بود که «من بر علیه کسانی که خواهان ملی کردن منابع ملی کشورشان هستند چه می‌توانم بگویم.»

۵. اشتباه دیگر آنجاست که آقای زیدآبادی مدعی «قدسیت بخشیدن به ملی کردن نفت» به عنوان امری حیثیتی و ناموسی و شرافتی» می‌شوند. این گزاره کاملاً نادرست است. مسئله این است که به نحوی که گفته شد، قانونی در مجلس تصویب شد و دولت مکلف به اجرای آن بود. بحث قدسیت و ناموسی در اینجا کاملاً بلاموضوع است. اتفاقاً مصدق قائل به اجرای حداقلی قانون بود. اینکه مصدق در مقام «پیرمرد لاجوج» و «Dr.no» و به دلیل تنزه طلبی شخصی، پیشنهادهای انگلیس و آمریکا را رد می‌کرد، تنها منعکس‌کننده رسوب سخت تبلیغات آمریکا و انگلیس و دشمنان داخلی مصدق در ذهن‌ها است. مصدق در جریان سفر به آمریکا و در پی مذاکرات ۲۰ روزه با جرج مک‌گی، معاون وزارت خارجه آمریکا، به طرح مشترکی با آمریکا رسید و دین آچسن وزیر خارجه وقت آمریکا آن طرح را به پاریس برد و با آنتونی ایدن وزیر خارجه دولت جدید محافظه‌کار انگلیس مطرح کرد و ایدن در همان جلسه طرح را رد کرد و گفت تصمیم داریم منتظر نخست‌وزیری «سربه‌راست» در ایران بمانیم. این راه هم مک‌گی و هم آچسن در خاطرات خود به صراحت گفته‌اند. راجع به طرح بانک جهانی نیز دکتر گر جستانی بر مبنای اسناد آزاد شده بانک جهانی به تفصیل نوشته‌ام. پیشنهاد نهایی، یعنی پیشنهاد چرچیل-آیزنهاور را نیز مصدق پذیرفت و با ارجاع مسئله غرامت به دیوان بین‌المللی دادگستری، پرداخت غرامت بر اساس هر قانون ملی کردن در هر جای جهان و غرامت مقطوع پیشنهادی ۸۰۰ میلیون دلاری آمریکا موافقت کرد. آنچه که مانع توافق نهایی شد، اصرار انگلیس بر غرامت عدم‌النفع بود که خواستار دریافت آن تا سال پایان قرارداد در ۱۹۹۳ بود. (دراین موارد چون من قبلاً به تفصیل نوشته‌ام، تکرار نمی‌کنم). جالب اینکه در این مقطع مخالفان داخلی مصدق با هدف ادامه بن‌بست و سقوط مصدق قویاً با پرداخت هرگونه غرامت به انگلیس مخالفت می‌کردند. از جمله بعد از پیام نوروزی ۱۳۳۲ مصدق که در آن راجع به غرامت به شرح فوق توضیح داده بود، مخالفان او به شدت با پرداخت غرامت مخالفت کردند. آیت‌الله کاشانی که رئیس مجلس بود، پیشنهادهای مصدق در مورد غرامت را مردود دانست و گفت: «ملت ایران بدهی به دولت استعماری انگلیس ندارد. زیرا ضرری به شرکت سابق نفت نرده است...»

... اما به گمان من دلیل اصلی شکست جنبش این بود که مصدق هم‌زمان علاوه بر ملی کردن نفت، توسعه سیاسی و مدنی را نیز در دستور کار داشت. او هم‌زمان پیگیر احیای اصول مشروطه، شامل: انتخاب نمایندگان واقعی مردم در مجلس، کنترل دموکراتیک بر نیروهای مسلح و وادار کردن شاه به سلطنت و خودداری از دخالت در حکومت نیز بود. این هدفی بود که مصدق از صدر مشروطیت پی گرفته بود. این هدف طیف وسیعی شامل بلوک سنتی سیاسی، ارتش و دربار با محوریت انگلیس را با هم و علیه مصدق متحد کرد. در این مسیر مصدق یک اشتباه استراتژیک داشت و آن نحوه برگزاری ساده‌انگارانه انتخابات مجلس هفدهم در اردیبهشت ۳۱ و اجازه ندادن به جبهه ملی برای معرفی کاندیدا برای همه حوزه‌ها بود...

تیتریک

HEADLINE ONE

۲

گزارش یک



رئیس‌جمهور در سفر به بلاروس مطرح کرد:

یکجانبه‌گرایی آمریکا قابل تحمل نیست

مسائل مورد علاقه دو طرف و نیز چگونگی تسریع در اجرایی کردن ظرفیت‌های متقابل گفت‌وگو و تفاهم خواهیم کرد. «رئیس‌جمهور بایان اینکه ایران و بلاروس علاوه بر روابط دوستانه دوجانبه، در بسیاری از مسائل منطقه‌ای و بین‌المللی نیز دیدگاه‌های نزدیکی داشته و در جامع بین‌المللی همکاری سازنده‌ای دارند، افزود: «تأجید اوراسیا، سازمان‌های و بریکس نیز چارچوب‌ها و بسترهایی برای تسهیل و گسترش تعاملات سازنده ایران و بلاروس هستند.» پزشک‌های اشتراکات گسترده در دیدگاه‌های جمهوری اسلامی ایران و بلاروس را زمینه‌مناسی برای اجرای کامل توافقات فی‌مابین و نیز همکاری جدی دو کشور در عرصه منطقه‌ای و بین‌المللی دانست و تصریح کرد: «امروز آمریکا و برخی کشورهای اروپایی به دنبال گسترش یکجانبه‌گرایی و تحمل نظرات خود به کشورهای دیگر هستند که این رویکرد برای شما و ما قابل تحمل نبوده و نیست. کشورهای غربی به سردمداری آمریکا به دنبال این هستند تا با تحمل مسیر حرکت ما را مطابق نظر خودشان تنظیم کنند، اما ایران و بلاروس باور دارند که چیزی از کشورهایی که به دنبال تحت‌تأثیر قرار دادن دیگران با تحریم هستند، کم نداشته و می‌توانند با همکاری جدی با یکدیگر بر تحریم‌ها و مشکلات غلبه کنند.» رئیس‌جمهور بلاروس نیز در این دیدار ضمن عرض خوش‌آمد به رئیس‌جمهور ایران و هیئت همراه، با اشاره به تأخیر صورت گرفته در سفر برنامه‌ریزی شده رئیس‌جمهور کشورمان خاطر‌نشان کرد: «این تأخیر ناخواسته به هیچ وجه از اهمیت این سفر کم نکرده است؛ بلاروس کشور دوست و شریک همواره قابل اعتماد برای ایران است. اطمینان می‌دهم که در فضای تعامل و دوستی حاکم بر روابط فی‌مابین می‌توانیم همکاری‌ها را گسترش داده و مشکلات احتمالی پیش‌روی برخی توافقات آن دو کشور را به‌طور کامل رفع کنیم.»

ادامه از صفحه یک

همبستگی و اجماع ملی تأکید کرد و گفت: «برخی مصاحبه‌ها و اظهارنظر‌ها کمکی به تقویت فضای خوب کنونی کشور به‌ویژه در حوزه سیاست خارجی که راهبردها مشخص است، نخواهد کرد.»

الیاس حضرتی نیز که برای شرکت در مراسم بزرگداشت روز خبرنگار به اصفهان سفر کرده بود، در جریان سخنرانی خود گفت: «امروز هر پرچمی که بوی اختلاف بدهد، هر سخنی که گویای اختلاف و تفرقه و تشنج باشد، چه در مجلس علیه رئیس‌جمهور صحبت کند، چه تهمت بزند و دروغ بگوید، هدیه به دشمن است.»

در حاشیه حیاط دولت

سیدستار هاشمی، وزیر ارتباطات درباره صحبت مدیر یکی از اپراتورها راجع به اینکه اگر اینترنت ۷۰ درصد گران نشود، روزی سه ساعت قطعی خواهیم داشت، گفت: «با توجه به موضوعی که مطرح شد و مدیرعامل محترم ایرانسل به آن اشاره کردند، بحث بر سر تعرفه‌ها و ضرورت به‌روزرسانی و متناسب‌سازی آنهاست. به‌طور طبیعی، اپراتورها به دلایل مختلف، پیگیر افزایش تعرفه‌ها هستند و این دلایل نیز روشن است.» او ادامه داد: «از جمله این دلایل می‌توان به افزایش قابل توجه حقوق و دستمزد نیروی انسانی متخصص در سال‌های اخیر اشاره کرد. همچنین تأمین تجهیزات، با توجه به شرایط خاص کشور و افزایش نرخ ارز، با مشکل و هزینه‌های بالایی همراه شده است؛ چراکه بیش از ۶۰ درصد تجهیزات مورد استفاده اپراتورها و کاربران، نیازمند هزینه‌های ارزی است. علاوه بر این، هزینه‌های جاری مانند برق نیز رشد قابل ملاحظه‌ای داشته‌اند. این مسائل همگی واقعی و قابل توجه‌اند. با وجود این، نکته مهم آن است که به واسطه چنین دلایلی، روند توسعه اپراتورها در سال‌های اخیر کند شده که این موضوع در برخی موارد قابل‌پذیرش نیست. دغدغه اپراتورها این است که ناترازی‌هایی که امروز در حوزه انرژی و برق با آن مواجهیم، ممکن است در آینده نزدیک در حوزه ارتباطات نیز ایجاد شود.» او همچنین درباره اختلال گسترده سیستم GPS پس از توقف جنگ نیز گفت: «اختلالاتی که در طیف‌های فرکانسی و

گروه خبر: رئیس‌جمهور کشورمان در ادامه دور جدید سفرهای خارجی خود، شامگاه سه‌شنبه ۲۸ مرداد وارد مینسک، پایتخت بلاروس شد. مسعود پزشکیان صبح روز گذشته در محل کاخ ریاست‌جمهوری مورد استقبال رسمی الکساندر لوکاشنکو، همتای بلاروسی خود قرار گرفت. رؤسای‌جمهور دو کشور ابتدا دیداری دوجانبه داشتند و سپس در جلسه نشست مشترک هیئت‌های عالی‌رتبه ایران و بلاروس شرکت کردند. همچنین جلسه مطبوعاتی، امضای بیانیه مشترک و اسناد همکاری ایران و بلاروس نیز با حضور پزشک‌های و لوکاشنکو برگزار شد. پزشک‌های ناتالیا کاجانوا، رئیس مجلس شورای جمع ملی و ایگور سرگینکو، رئیس مجلس نمایندگان مجمع ملی جمهوری بلاروس نیز ملاقات کرد. پزشک‌های که از ارمنستان به بلاروس سفر کرده بود، در بدو ورود به پایتخت این کشور در میدان ویکتوری شهر مینسک که به‌منظور گرامیداشت یادسربازان وطن ساخته شده، حضور یافت و به مقام قهرمانان سربازان درگذشته بلاروسی ادای احترام کرد. رئیس‌جمهور کشورمان در سفر خود به مینسک، دیداری نیز با ایرانیان مقیم بلاروس داشت. در جریان این سفر ۱۲ سند همکاری در حوزه‌های سیاسی، حقوق بین‌الملل، گردشگری، هنری، رسانه‌ای، بهداشت و سلامت، دارویی، صنعتی، محیط زیست، مناطق آزاد، صنعتی و ویژه اقتصادی و سرمایه‌گذاری و یک بیانیه مشترک به امضا رسید. رئیس‌جمهور شب گذشته بلاروس به مقصد ایران ترک کرد.

غربی‌ها دنبال تحمل نظرات خود هستند

پزشکیان در نشست دوجانبه با همتای بلاروسی خود، ضمن ابراز خرسندی از فرصت پیش‌آمده برای سفر به بلاروس اظهار داشت: «در این سفر درباره

برای مثال بخش اصلی این بیانیه مربوط به حوزه سیاست داخلی و تغییرات اساسی در رابطه حاکمیت و مردم، بازنگرایی در اشتباهات گذشته و تقویت انسجام ملی است. اما اصل تمرکز مهاجمین به آن، روی بخش مربوط به سیاست خارجی، پیشنهاد انجام مذاکرات جامع و موضوع تعلیق غنی‌سازی در برابر رفع تحریم‌ها قرار گرفت. بیانیه مذکور با واکنش‌های منفی و گاهی عصبی روبه‌رو شد و طیفی از واکنش‌ها در میان فعالان سیاسی، رسانه‌ای و رسانه‌های تندرو ایجاد کرد. با گذشت چهار روز از انتشار این بیانیه، هنوز خیلی فضایی برای نقد و بررسی محتوای آن باز نشده است. چراکه حملات تندروها هنوز مجال گفت‌وگو و نقد را نمی‌دهد.

جامعه زنده است

فاطمه مهاجرانی، سخنگوی دولت در حاشیه جلسه کابینه، در پاسخ به سوالی در مورد رویکرد دولت نسبت به بیانیه جبهه اصلاحات، گفت: «اظهارات احزاب نشان‌دهنده زنده و آزاد بودن جامعه است، البته همه‌ما باید دقت نظر داشته و اظهاراتی نکنیم که مورد سوءاستفاده دشمن واقع شود. همه احزاب از جبهه پایداری تا جبهه اصلاحات در جلساتی که با شخص دکتر پزشکیان داشتند و نظرات خود را بیان کرده‌اند و حاکمیت و دولت متناسب با منافع ملی اتخاذ رویکرد کرده است.» سخنگوی دولت افزود: «طبیعی است که دولت پیش از این نظرات احزاب را در جلسات جداگانه شنیده و براساس منافع ملی تصمیم می‌گیرد و عمل می‌کند.»

دو واکنش کلی و غیر مستقیم

پیش از این نیز محمدرضا عارف، معاون اول رئیس‌جمهور و الیاس حضرتی، رئیس شورای اطلاع‌رسانی دولت به صورت غیرمستقیم درباره این بیانیه صحبت کردند. عارف در جلسه هیئت دولت که در غیاب مسعود پزشکیان به ریاست او برگزار شد، در بخشی از سخنان خود ضمن درخواست از دانشگاهیان، نخبگان و صاحب‌نظران برای ارائه نظرات و پیشنهادات خود جهت اصلاح امور، بر لزوم تقویت راهبرد همبستگی ملی و توجه به شعار وفاق ملی و همچنین لزوم توجه صاحب‌نظران، نخبگان و فعالان رسانه به اهمیت

